

فکر کردم که بد نیست پای حرفهای گفته و ناگفته  
استادان موسیقی ایرانی و کارشناسان این رشته بنشینیم  
و از نظرات آنها در خصوص علل کم رنگ شدن نقش این  
شادیانه‌ها جويا شويم:

موسیقی از سالهای دور نقش بارزی در اعیاد و جشنهای  
ایرانیان داشته است. هر ساله با آمدن بهار و شکوفایی  
طبیعت، نواها، شادیانه‌ها و بهاربه‌های موسیقی در میان  
ایرانیان اجرا می‌شده است تا به آنجا که نوروز خوانسراها  
به عنوان یکی از عناصر پابرجای جشنهای نوروزی شناخته  
می‌شده‌اند.

این روزها، اگرچه شور هنرمندان موسیقی هنوز برای آغاز  
سال نو بسیار است و هر سال حداقل چند ترانه مخصوص  
نوروز اجرا می‌شود، اما جای خالی نواهای اصیل که در آنها  
شادی راستین موسیقایی به گوش می‌رسید خالی است.  
به نظر می‌رسد نواهای سرناها و دهلها، کمانچه‌ها و  
سنتورها، ضربها و طبلها جای خود را به آوای  
کیبوردها و سینتی سایزرها سپرده‌اند. انگار  
این شادیهای یک بار مصرف توانسته‌اند  
با قدرتی پوششالی و بی‌اصل و نسب،  
جای آواهای دلبپذیر و اصیل ایرانی  
را بگیرند. هر چند هنوز هم  
در محله‌های قدیمی، نفس  
بجران سرنا و دهسل نواز در  
روز اول فروردین ماه، نوید  
ماندگاری این شادیانه‌ها را  
می‌دهد.

• از باستان تا امروز،  
همواره نوروز در ایران  
با موسیقیهای شاد  
آغاز شده است

دکتر «هریسون  
جنیدی» استاد تاریخ  
و ادبیات در مورد نقش  
موسیقی در نوروز  
می‌گوید: موسیقی یک  
واژه یونانی است و معادل  
فارسی آن «خوش‌نوا»

# کل او مدد

## من با تو دورم

گای شادیانه‌ها، بهاریه‌ها و نوروزخوانسراها



سوسیه قاضی زاده



شناخته شده است.

در دیوان شعر آمده است که: چنین گفت کز شهر مازندران

یکی «خوشنوا» زم ز رامشگران

وی ادامه می‌دهد: اگر بخواهیم ریشه این واژه را در زبان پهلوی تا امروز دنبال کنیم باید بگویم نوای خوش در زبان پهلوی «هونواک» بوده است، یعنی «نیک نوا». «هونواک» تبدیل شده است به «هونیاک» بعد در زبان فارسی تبدیل شده به «خنیا»، که همان نوای خوش است.

این مورخ و پژوهشگر با اشاره به حضور موسیقی در شادیها و اعیاد ایران باستان می‌گوید: یکی از کهن‌ترین روایات در مورد نوروز در بیت «بزرگان به شادی بیاراستند / می و جام رامشگران خواستند» است. این بیت به خوبی نشان می‌دهد رامشگران و خوش‌نواها در مراسم شادی حضور دارند و این مسئله نشانگر این است که آغاز نوروز که یکی از اعیاد بزرگ ایرانیان است با رامشگری و نوای خوش بوده است.

درست است که ما برای نوروز موسیقی خاصی نداریم اما پیشینیان بیشتر از موسیقی‌ای که در مناطق و بین مردم رایج بوده استفاده می‌کردند، مانند آوای دهل و سرنا.

■ **عده‌ای از استادان و هنردوستان، مصمم هستند که جشنهای نوروزی توأمان با موسیقی را زنده کنند، از آنجا که هدف آنها بسیار مقدس است، موفقیتشان حتمی است. هر چند نیاز به حمایت و توجه مردم و مسئولین دارند.**

استاد «**حمید ابراهیمی**» از شاگردان استاد غلامحسین بنان به‌شمار می‌رود و در حال حاضر در زمینه آواز ایرانی، یکی از شاخصها محسوب می‌شود، در خصوص ترانه‌های نوروزی و دلایل کمرنگ شدن حضور موسیقی و شادبانه‌ها در آیین نوروزی گفت: در روزگار صفویان به‌طور کلی جشنهای نوروزی برجیده شد و نوازندگان بزرگ و شعرا دسته‌جمعی از ترس جان خود به هندوستان سفر کردند و اثری از این جشنها به جا نماند. هر چند که در دوره زندیه تعدادی از خنیاگران به ایران بازگشتند ولی متأسفانه، جنگهای قاجار دیگر اجازه اجرای چنین مراسمی را نداد.

استاد ابراهیمی در ادامه گفت: در پنجاه سال دوره ناصری با بودن استادان بزرگ موسیقی چون «آقا علی اکبر فراهانی»، «آقا میرزا عبدالله عبادی» و «میرزا حسینقلی» و شعرای بزرگی چون «یعنمای جندقی»، «فروغی بسطامی»، «قآنی» و ... جشنهای نوروزی جان تازه‌ای گرفت. پس از این دوران و با وقوع انقلاب مشروطیت، چراغ عمر این جشنها خاموش شد. در دوره پهلوی نیز تلاشهایی برای زنده کردن این جشنها انجام شد اما چون هدف تظاهر و اغوای مردم بود، این جشنها پایان گرفت. وی ادامه

داد: ایرانیان از قدیم، در ماههای مختلف سال، جشنهای ویژه برگزار می‌کردند، در فصل بهار جشن نزول باران، در تابستان جشن برداشت میوه، در پاییز جشنهای سده و در زمستان جشنهای ستایش اهورا مزدا و نزول نعمتهای آسمانی را داشته‌اند.

این جشنها فقط به رقص و پایکوبی اختصاص نداشته، بلکه برای ستایش و شکرگزاری از ایزد متعال بوده است و در پی آمد آنها به مردم مستحق نیز کمک می‌شده است. به طوری که تاریخ گذشته را مطالعه می‌کنیم، برنامه عزا و یا سوگ بسیار اندک و غیر قابل توجه بوده است. در زمان عباسی، خلفا نیز به جشنهای نوروز معتقد بودند و هارون الرشید به «اسحاق» و «ابراهیم موصلی» که از اساتید بزرگ موسیقی بودند و اصلیتشان ایرانی بود، دستور داد که برای این جشنها اهتمام کافی به عمل آورند. این دو استاد در آن دوره نوازندگانی را برای سازهای عود، رباب، چنگ و نی انبان تربیت کرده بودند و با اینکه هنوز ساز ارغنون نیامده بود، مقدمات آن آموزش داده می‌شد.

«ابراهیمی» در پایان می‌گوید: شعرا نیز در این راه بسیار فعالیت می‌کردند و بهاربه سرودن از اعم فعالیت‌های آنان بود. شعرای بزرگی چون «رودکی»، «منوچهری دامغانی» و «فرخی سیستانی»، در مراسم نوروز چکامه‌ها و قصایدی را سروده بودند که از قوت بالایی برخوردار بود و عموماً با موسیقی همراه می‌شد. حتی «منوچهری دامغانی» در قصیده‌ای که برای بهار می‌گوید، نام سازها را هم می‌آورد:

کبک ناقوس‌زن و شارک سنتورزنان

فاخته نای‌زن و بط شده تنبورزنان

■ **قطعاتی که در حال حاضر ساخته می‌شود، اگر شاد هم باشند، مانا نیستند و شادی‌شان زودگذر است.**

«**بیژن ترقی**» یکی دیگر از ترانه‌سرایان معروف که بیش از ۲۰ بهاربه را سروده است، برخلاف دیگر هم‌دوره‌هایش، کمرنگ شدن نقش بهاربه‌ها و شادبانه‌های موسیقی را در آیین نوروزی، مطابق با زمان می‌داند و می‌گوید: هر موضوعی را برحسب زمانی که در آن هستیم، باید سنجید. اگر در آن زمان اساتید بهاربه‌ای از قدیم به یادشان مانده بود و یا ترانه‌ای می‌سرودند و شاگردان هم به نواختن و تنظیم دوباره آن «بهاربه»‌ها علاقه نشان می‌دادند، خاص آن زمان و به دلیل داشتن مخاطب زیاد بوده است. اما در حال حاضر خواندن و ساختن ترانه‌هایی در وصف بهار و زیباییهای آن، چندان مخاطب ندارد و جوانان ترجیح می‌دهند که بیشتر ترانه‌ها را با مضامینی دیگر بشنوند. علاوه بر این روشهای آهنگسازی و ترانه‌سرایی نیز در این دوره فرق کرده است. پیش از این، به ما آهنگ را می‌دادند و ما روی آن ترانه می‌ساختیم. ساخت ترانه هم با توجه

بسه حال و هوای اثر، محتوا و نیاز زمان صورت می گرفت، اما در حال حاضر به نظر می رسد که همه اینها یک شبه اتفاق می افتد.

وی افزود: اساس کار من بر پایه «بهاریه»ها بوده و تا به حال قریب به ۲۰ بهاریه سروده ام و برخی از آنها همچون «گل اومد، بهار اومد» به عنوان سمبل ترانه های ایران شناخته شده است، اما متأسفانه در حال حاضر کارهایی که در این زمینه انجام می شود، خیلی کم است.

«ترقی» در مورد علل کم رنگ شدن ترانه سرایی در ایران گفت: در حال حاضر که اصلاً مقوله ای با این عنوان وجود ندارد. آن موسیقی که با لطافت همراه بود و مردم به آن دل بستگی داشتند، مدتهاست که گم شده است. الان عده ای که در این رشته فعالیت می کنند، خودشان هم نوازنده اند، هم آهنگساز، هم خواننده و هم ترانه سرا! در حالی که در حقیقت هیچ کدام از اینها نیستند. در همین وضعیتی که کار به دست ناشی افتاده است، توقعی بیش از این نمی توان داشت. به عنوان مثال زمانی ترانه سرا «رهی معیری» بود، آهنگساز «علی تجویدی»، نوازنده «پرویز یاحقی» و خواننده «بنان»، اما زمانی که یک نفر بخواهد همه این کارها را انجام بدهد، در نتیجه موسیقی مبتذل خواهیم داشت.

ترقی در پایان گفت: متأسفانه وقتی برخی از پیش کسوتان نارضایتی شان را از وضعیت موسیقی نشان می دهند، بعضیها فکر می کنند که هنرمندان قدیم، عداوتی با هنر امروز دارند، یا نمی خواهند که جوانان امروز فعالیت داشته باشند، در حالی که اگر کسی انتقادی دارد، هدفش جز سازندگی، چیز دیگری نیست.

■ **موسیقی می تواند بر پایداری شادی در ایام نوروز کمک کند. از آنجا که مذهب و دعا با فرهنگ ما و مراسم نوروزی ما عجین شده است، موسیقی نیز نقش و تأثیر مهمی در آیینها و باورهای فرهنگی ما دارد.**

مرحوم «اسماعیل نواب صفا»، ترانه سرای نامی ایران که سازنده ترانه معروف «آمد نوبهار» است، در این زمینه گفت: ترانه «آمد نوبهار» سالها در ایام نوروز و بهار از رادیو و تلویزیون پخش می شد و زمانی که من این ترانه را ساختم کمتر ترانه سرایی به موضوع «آمدن بهار» پرداخته بود، این در حالی است که در اشعار شرعی کلاسیک ایران همچون «حافظ»، «سعدی»، «مولانا» و... به این امر بسیار پرداخته شده و مطلعهای بسیاری از اشعار با شکوفایی نوروز آغاز شده است.

وی در ادامه افزود: بهاریه سرودن بیشتر از دوره «عارف قزوینی» آغاز شد، اما متأسفانه در چند دهه اخیر کمتر به این موضوع پرداخته شده است. پیش از من «ملک الشعرا

بهار»، «رهی معیری» و «امیر جاهد» نیز بهاریه هایی سروده بودند. این ترانه سرای قدیمی در ادامه دلیل حضور کم رنگ بهاریه ها را بی توجهی به شادی آفرینی دانست و افزود: باید این معضل جدی را که نه تنها گریبانگیر موسیقی و ادبیات جامعه، بلکه گریبانگیر اغلب مقوله های فرهنگی و هنری شده است را بررسی و برطرف کرد. در دوره ما انگار باب شده است که فقط از زمستان و سیاهی و تاریکی صحبت شود و همان کورسوهای امید نیز نادیده گرفته می شوند. قطعاً شنیدن ترانه ای در وصف شادی نوروز می تواند برای لحظاتی از بار غم بکاهد.

او ادامه داد: حتی سرودن و نواختن ترانه ها و تصانیفی که با نوروز در ارتباط است، به نشاط روح کمک می کند. ترانه «آمد نوبهار» که با ارکستر «خالدی» تهیه و اجرا شده است، شور و حالی خاص را در ارکستر به وجود آورد. این ترانه، اثر مشترکی بود از من، «مهدی خالدی» و «زاهدی» نوازنده تنبک که در این کار ضرب لنگ زد. یادش به خیر.

■ **بهتر است در مورد اینکه چرا بهاریه های موسیقی از بین رفته اند فکر نکنیم، اتفاقی است که افتاده!**

«مجید کیانی» استاد سنتور و مدیر مرکز حفظ و پژوهش موسیقی ایرانی معتقد است که نباید در مورد بهاریه ها فکر کرد و می گوید: از نظر ما تمام موسیقی ایرانی بهاریه است. حالا در مواردی این بهاریه ها در موسیقی فولکلور و همچنین موسیقی آیینی نقش پررنگ تری پیدا کرده اند. وی افزود: هر چند به نظر می رسد که موسیقیهایی که مخصوص نوروز و فصل بهار بوده اند و در مناطق مختلف ایران رواج داشته اند و در آستانه سال نو اجرا می شده اند، از بین رفته اند و نقششان کم رنگ شده است، اما هنوز هم در شهرهایی از ایران، نوروز با موسیقی جشن گرفته می شود. کیانی در مورد دلیل این اتفاق می گوید: شاید همان مسئله هجوم دیگر سبکهای موسیقی باعث این اتفاق شده باشد، اما در هر حال این اتفاق افتاده و کسی هم کاری نکرده است که نیفتد. هر دلیلی می شود برای این اتفاق آورد و من ترجیح می دهم که در این مورد اظهار نظری نداشته باشم. همان دلایلی که همه در مورد وضعیت موسیقی ایرانی می دانند، کافی است.

■ **گاهی این ضرورت حس نمی شود که درگیر و دار سنتهای قدیمی بمانیم. این اتفاق در موسیقی، به خصوص موسیقی سنتی و ایرانی ما هم افتاده است.**

«امیر بکان» آهنگساز واحد موسیقی صدا و سیما در این خصوص می گوید: کم رنگ شدن نقش یک سری از سنتهای اجتماعی به شرایط اجتماعی برمی گردد. برنامه های فرهنگی همیشه تابع شرایط اجتماعی هستند. گاهی این ضرورت حس نمی شود که درگیر و دار سنتهای

قدیمی بمانیم. این اتفاق در موسیقی، به خصوص موسیقی سنتی و ایرانی ما هم افتاده است.

او ادامه می‌دهد: ما پیش از این نوروز را با موسیقی جشن می‌گرفته‌ایم، هنوز هم این سنت را داریم و من خودم بارها شاهد بوده‌ام که در کوچه‌های تهران با سرنا و دهل روز اول عید جشن گرفته شده است. هنوز هم در شهرستانهای ایران این سنتها ماندگارند. اما اینکه بیاییم و توقع داشته باشیم که همه چیز مثل سابق باشد، امری محال است.

وی می‌گوید: باید اقدامی در جهت حفظ چاووش خوانیها، نوروز خوانیها و بهاریه‌های موسیقی انجام شود. البته یک مسئله هم وجود دارد در این چند ساله شرایطی است که نوروز با محرم همراه شده و طبیعتاً طبق سنتهای ما پرداختن به موسیقیهای شاد معمول نیست. ما در تولیدات صدا و سیما سعی مان بر این است که در این چند سالی که محرم و نوروز تلاقی دارند، موسیقیهای بی‌کلام شاد تولید کنیم، اما متأسفانه آهنگسازان ما کمتر در ساختن قطعات شاد اهتمام می‌ورزند.

بکان خاطر نشان می‌کند: در شرایط خاص مثل این چند ساله، باید برای هنرهای مختلف در نوروز سوژه طراحی کرد، این اتفاق در مورد فیلم و سریال راحت‌تر می‌افتد تا موسیقی، اما در موسیقی هم ما با ساخت و پخش موسیقیهای بی‌کلام می‌توانیم قدرت مانور داشته باشیم. می‌توان تمام موضوعاتی را که در مورد فصل بهار و اصولاً آفرینش، طبیعت، حیات مجدد و... هستند، دستمایه کار آهنگسازی قرار داد.

**■ تا زمانی که از موسیقی شاد حمایت نشود و نهادها و مؤسسات از موسیقیدانها نخواهند که قطعات شاد را برای مناسبتهای شاد بسازند، موسیقی شاد ماندگار نخواهیم داشت.**

«جمشید عندیلبی» آهنگساز و نوازنده نی نیز در این زمینه می‌گوید: تعریف موسیقی شاد و مبتذل در ایران گم شده است. در حال حاضر بسیار پیش آمده است که صدا و سیما از موسیقیهای مذهبی حمایت کرده، هزینه صرف کرده است و برای آن ارزش قائل شده است. در این راه به موسیقیدانان سفارش کار داده است، اما برای موسیقی نوروز چرا این کار را نمی‌کند؟ چرا اگر یک موسیقیدان تصنیفی را برای نوروز بسازد، او را معرفی نمی‌کنند و کارش را ارج نمی‌نهند؟

او ادامه می‌دهد: منشأ هنر یک هنرمند، جوشش درونی است و زمانی که احساس کند کسی برای کار او ارزش قائل نیست، ناامید می‌شود. انگیزه‌های بیرونی و درونی بالاترین عوامل پیشرفت یک هنرمند می‌تواند باشند. اگر هنرمندی هم خودش ذوق انجام این کار را داشته باشد، با نبود پشتوانه، جز ضرر، چیز دیگری به دنبال ندارد.

«عندیلبی» خاطر نشان می‌کند: در آیین ایرانیان باستان، برای هر ماه مراسم شادی به همراه موسیقی وجود داشته است و به عناوین مختلف مردم شاد می‌شده‌اند، اما امروزه ما بیشتر برای عزا تجملات چیده‌ایم. این موضوع روی ذهن موسیقیدان تأثیر می‌گذارد، و خودسانسوری ایجاد می‌شود. بسیار اتفاق افتاده است که موسیقیدانان آهنگهای شاد ساخته‌اند، اما به دلیل اینکه آنها را به اسم مطرب نشانند، از انتشار آن جلوگیری کرده‌اند. با اینکه «مطرب» نیز به معنی فردی است که قطعات شاد را برای شادی مردم می‌نوازد و در واقع نوازنده‌ای است طرب‌آور. مردم شادی را دوست دارند. اما متأسفانه فرهنگ عزا در کشور ما رایج شده است. من نمی‌دانم چه فرهنگ غلطی است که در ایران جا افتاده است. روح انسان با شادی همبستگی دارد، برای همین پس از دست دادن عزیزترین کسانی نیز باز به زندگی ادامه می‌دهد و با شنیدن نوایی شاد، از شدت اندوهش کاسته می‌شود.

**■ شادایانه‌ها در موسیقی ایران از قدمت زیادی برخوردارند و در حال حاضر هر چند از گوشه و کنار آواهای آنها را می‌شنویم، اما رو به نابودی‌اند و باید برای جاودانه کردن آنها تلاش کرد.**

«پشنگ کامکار» نوازنده سنتور و عضو گروه کامکارها که در معرفی موسیقی ایران به جهان نقش برجسته‌ای را ایفا کرده‌اند، در این خصوص می‌گوید: تا این آیینها و سنتهای کهن در موسیقی ایران از بین نرفته‌اند، باید به آنها رسیدگی و از آنها حمایت کرد. موسیقیهای نوروزی، که با شروع بهار، جان می‌گیرند، بیش از آنکه با موسیقی سنتی ایران ارتباط داشته باشند، فولکلور هستند و ریشه در سنن اقوام دارند. همه می‌دانیم که سمبل این موسیقی ملودی خاصی است و با «سرنا» نواخته می‌شود و هر سال موقع تحویل سال این موسیقی را می‌شنویم. مثلاً در کردستان اشعار و ترانه‌هایی مخصوص آمدن بهار سروده و خوانده می‌شود که همه آنها با سازهای محلی نظیر «دهل»، «نرمة نای»، «زله» و «سرنا» نواخته می‌شوند.

«کامکار» در ادامه ضمن درخواست توجه بیشتر به این آیینها، از مسئولین وزارت ارشاد می‌خواهد تا به هنرمندان گمنام موسیقیهای فولکلور توجه بیشتری نمایند. او می‌افزاید: چرا فقط این موسیقیها را در دهه فجر به یاد می‌آوریم؟ اگر این انواع در طول سال و به مناسبتهای مختلف اجرا شوند و از هنرمندان آن تقدیر شود، آنها هم با شور و شوق بیشتری کار می‌کنند و مهم‌تر اینکه، این آیینها، ماندگار می‌شوند. تا به حال هم اگر این هنر زنده مانده است، از برکت نوازندگان محلی بوده و اگر حضورش کم‌رنگ شده است، به دلیل بی‌توجهی مسئولان است.